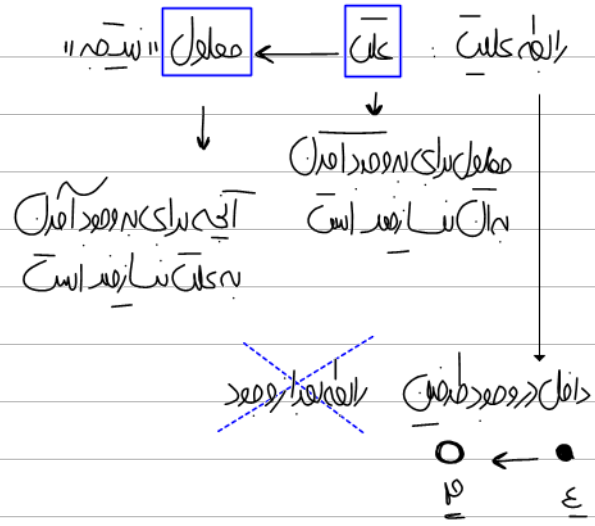




اولی سببی قوی ← نی از انزال	ذرات
اولی سببی ← نی از من آسان	کلیات
ساده ذهن آسان "توالت سوال ۲ ص ۱۱"	مسئله های
انواع کلی "بازی" "توالت" ← امر سببی	پیدا

اتان کلیات
اصواع اصواع اصواع ← کلیات



اولی سببی کلیات "ابواب و سبب کلی"

نصبت کلی : هر کلیت با معلول معلول است، اگر کلیت کند ← نظم

و هر کلیت : اگر کلیت باشد، معلول متغیر یا نه وجود دارد ← نتایج

کود را روشن کرد اما صورت آفتاب بود، اگر آفتاب نبود	۲ صیغی ←	انواع اصل نسبت	انواع اولی سببی
درین موارد اما صورت آفتاب، بر سر آفتاب	۱ صیغی ←	انواع اولی سببی	انواع اولی سببی
صورت آفتاب دو نوع را درین	۴ صیغی ←	پیشینه سببی "تفسیر"	انواع اولی سببی
موردی که صورت آفتاب وجود آفتاب	۳ صیغی ←	انواع اولی سببی "و کلیت"	انواع اولی سببی

صیغی  
انواع

انواع کلیات اولی سببی ← حال کار (صیغی سببی)

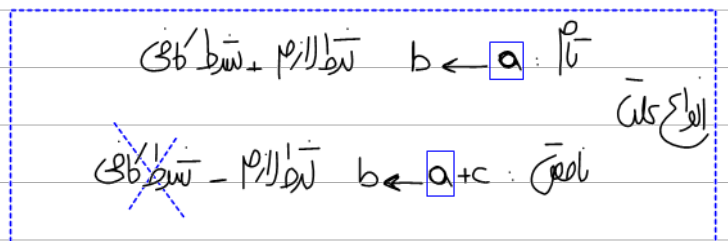
انواع کلیات اولی سببی ← حال کار (صیغی سببی)

حدا	انواع کلیات اولی سببی
A	"توالت" "توالت" ← امر سببی
B	
C	سلسله کلیات با نیان سببی سببی سببی
D	معلول سببی سببی سببی "توالت"
E	سلسله کلیات با نیان سببی سببی سببی
F	سلسله کلیات (سلسله سببی) ← باطل

نصبت اولی سببی کلی، اگر کلیت باشد معلول متغیر یا نه وجود دارد

↓

انواع کلیات "توالت" "توالت" ←



مفاهیم وجود و ماهیت در عالم ذهن، این است.

وجود و ماهیت در عالم ذهن از هم قابل تفکیک هستند اما در عالم خارج تفکیک نپذیرند و وجود و ماهیت دو مفهومی که یک هستند نه دو مفهومی که یک است.



توابع العناصیر این اصل را در یک لایه نشان داد

فلسفه عقل ترا « تحت تاثیر این لایه و با ضرورت این لایه » حالت تقسیم « در زمان با صفت لایه تقسیم شد »

عناصر را در دو اصل مفاهیم، تحت تاثیر اصل اول و اصل دوم قرار دین

ماهیت و عقل در عاقل هستند

اندام و عقل در سر هم هستند « ملازمه » اما شکل فلسفه که از آن جدا باشد

اصل وجود: آن چیزی که اصل است « در عالم خارج است » وجود است و ماهیت اعتباری ذهنی است

ماهیت وجود: در مورد آن در ابتدا وجود دارند بعد تفکیک و بعد از آن ماهیت وجودی آن

ماهیت وجود: در آن « اصل است و صفت وجودی که یک است » ماهیت (فعل) با هم متفاوتند

« ماهیت در کل است » تحت در آن ماهیت

ماهیت ← در ابتدا وجود دارند و بعد از آن ماهیت هستند  
ماهیت ← در فو افعال و آثار (ماهیت) متفاوتند



تبعاً با فلسفه اسلامی در آن است این لایه و با ضرورت این لایه

این لایه که در آن ماهیت وجودی است  
این لایه که در آن ماهیت وجودی است

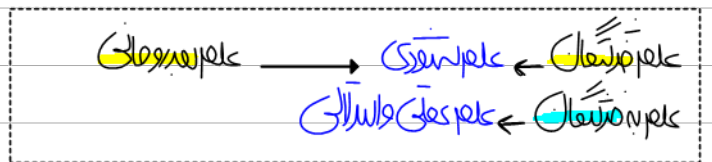
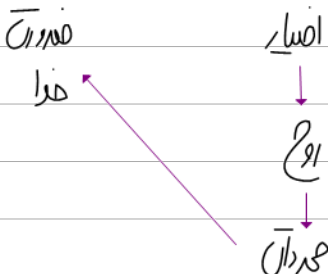
مفاهیم	مفاهیم	مفاهیم
مفاهیم	مفاهیم	مفاهیم
مفاهیم	مفاهیم	مفاهیم
مفاهیم	مفاهیم	مفاهیم
مفاهیم	مفاهیم	مفاهیم
مفاهیم	مفاهیم	مفاهیم

مفاهیم: ماهیت وجودی است

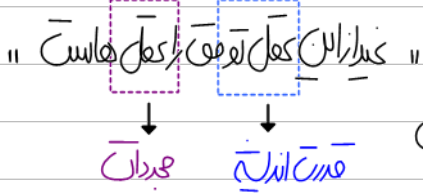
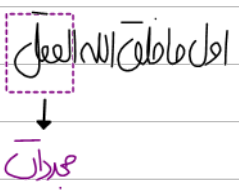
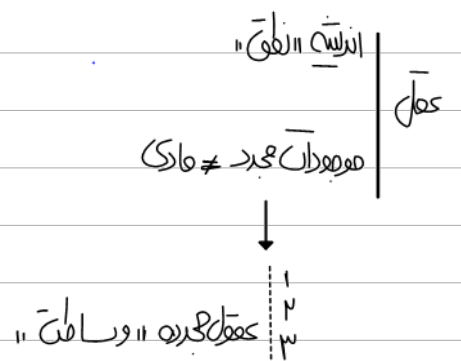
مفاهیم: ماهیت وجودی است

مفاهیم: ماهیت وجودی است

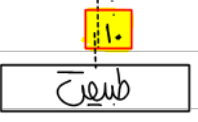
مفاهیم



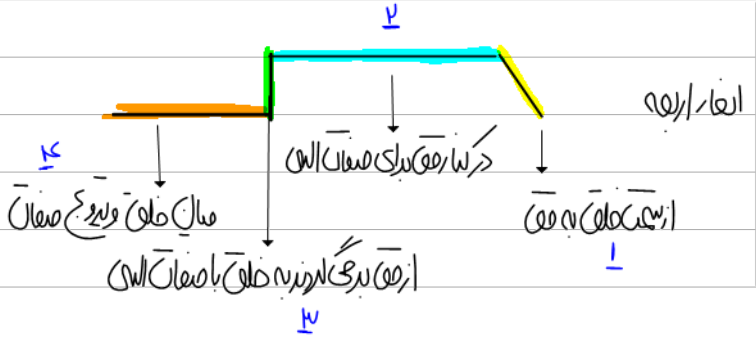
لؤلؤس « هر دو معنا عقل » ← کلاه و در فن بجای آن قدرت می رود و نیز است توفیق و توفیق به معنای آرزو ← عقل نظری (آیا و معجزات) + عقلی (افعال انسانی) استقامت به معنی انواع اسلحان « تیری + کتی میهن » ← باطنی جان روغن کبری بنا بر استقامت روغن کالی (ملحه) حاصل روغن انان	هر اللؤلؤ اربطه دکارت بکن آلوس کس
---	---



عقل فعال « با ساحت معنی ای به طبیعت »



باطنی کمال انان و عقل فعال مانند « هر دو را »



بالهجوم: انفراد با کسری

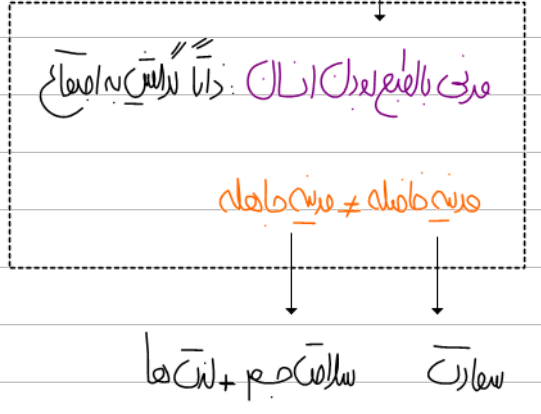
بالفعل: در دست

بالفعل: برین به دانستن ما

بالاستفاد: تعابیر دانستن ما « در صورتی »

در ساحت: نفس انان / اراده

در ساحت: نفس انان / اراده

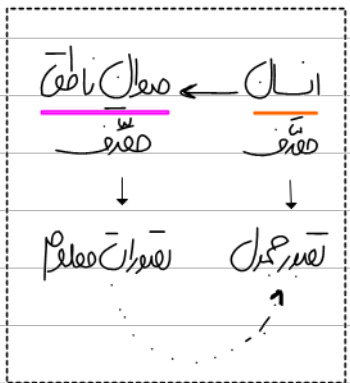


صنعة اعراب - نطق - اعراب - معربين مطلقين ورجوع

<p>الواع مع ←</p> <p>نوع " نون فعل "</p> <p>نوع " فراه با فعل "</p>	<p>IP</p> <p>اد - نون</p> <p>دعا</p> <p>نوع : .</p>	<p>نوع " نون فعل "</p> <p>نوع " فراه با فعل "</p>
---	---	---

✓ در نسبت لنه، هلال اعراب ← نوع

✓ هر اعرابی قصه نیست



لغوی: مترادف - ریشه‌ها

بالصواب - بالحق - بالثبوت

مترادف - مترادف - مترادف ← نوع صنعة

انواع: برای ذکر حسی و لا اعراب

انواع: برای اعراب و لا اعراب

انواع: برای اعراب و لا اعراب

مترادف: معرفت بالا، معرفت روشن تر باشد

انواع: معرفت (سوال ناطق) انسان

مترادف: معرفت بالا با معرفت دیگر باشد

انواع: معرفت (سوال ناطق)

مترادف: معرفت بالا در حقیقت باشد

انواع: معرفت (سوال ناطق)

مترادف: معرفت با معرفت دیگر باشد

انواع: معرفت (سوال ناطق)

انواع: برای اعراب و لا اعراب

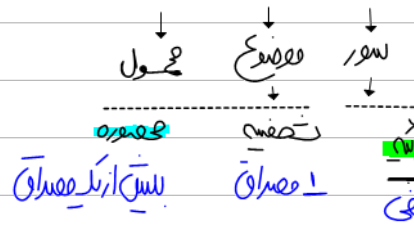
انواع: برای اعراب و لا اعراب

انواع: برای اعراب و لا اعراب

انواع صنعة اعراب

معرف: معرفت + فعل

انواع: معرفت - معرفت



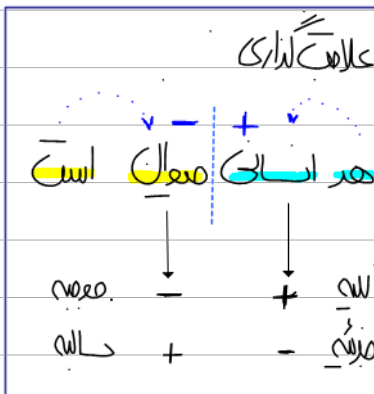
انواع: معرفت + معرفت

انواع: معرفت + معرفت

انواع: معرفت + معرفت

معرف: معرفت + معرفت

انواع: معرفت + معرفت



انواع: معرفت + معرفت

انواع: معرفت + معرفت

انواع: معرفت + معرفت

انواع: معرفت + معرفت

انواع: معرفت + معرفت

مترادف: معرفت بالا با معرفت دیگر باشد

انواع: معرفت (سوال ناطق)

مترادف: معرفت بالا در حقیقت باشد

انواع: معرفت (سوال ناطق)

مترادف: معرفت بالا در حقیقت باشد

انواع: معرفت (سوال ناطق)







تعال  
هرفان است  
هرفان نیست

تعال  
تعالی  
تعالی  
تعالی  
تعالی

کس  
هرفان است  
هرفان نیست

کس  
معنی و تحول معانی  
مفل را بهانه می نویسی  
سور را بهانه می نویسی « هر ← معنی »  
بانه می نویسی کس لازم الصق ندارد

قصه اصل « هرفان است »  
معنی هرفان است  
معنی هرفان نیست  
نادر  
معنی هرفان است  
معنی هرفان نیست

اگر قصه « هرفان است » کاذب باشد، آن کاذب است : ع

قصه اصل « معنی هرفان نیست »  
لازم الصق ندارد  
نادر  
معنی هرفان است  
معنی هرفان نیست  
هرفان است

اگر کاذب باشد صد ← عند مقابل نیستی	اگر صادق باشد صد ← کاذب	تعال
اگر کاذب باشد معنی صادق	اگر صادق باشد معنی کاذب	تعالی
اگر کاذب باشد ← عند مقابل نیستی	اگر صادق باشد ← صادق	تعالی
اگر کاذب باشد ← کاذب	اگر صادق باشد ← ع	تعالی











































































